خبر

تقویت روبل در سایه نفت

● **فارس:** در حالی که سال گذشته روبل یکی از بدترین رکوردهای ارزشی خود را تجربه کرد، اما باوجود ادامه تحریم‌ها این ارز روسی در سال جاری عملکرد بسیار خوبی داشته است. به گزارش راشاتودی، ارز روبل روسیه، برخلاف روند سال گذشته آن در بازار جهانی، در سه‌ماهه اول سال جاری بیشترین افزایش ارزش را در میان ارزهای جهان تجربه کرده است. روبل در سال گذشته پس از گریونای اوکراین، بیشترین سقوط ارزشی و بدترین عملکرد را در میان ارزهای جهان داشت، اما این ارز در سال جدید میلادی به یکباره به ارزی تبدیل شد که بهترین عملکرد افزایشی را در ارزش جهانی طی سه‌ماهه اول سال جاری داشته است. در روز گذشته، ارزش روبل به بالاترین میزان خود در سال جاری رسید و معادل ۵۵/۳روبل به ازای هر دلار ارزش‌گذاری شد، این ارز همچنین معادل ۶۰/۸روبل به ازای هریورو دادوستد شد. افزایش قیمت جهانی نفت در روزهای اخیر یکی از اصلی‌ترین علل افزایش ارزش روبل و تغییر روند ارزشی آن در ماه‌های گذشته بوده است. بنا به گزارش بلومبرگ، برخلاف بسیاری از پیش‌بینی‌ها، روبل در سه‌ماهه نخست سال۲۰۱۵ بهترین عملکرد را در میان ارزهای جهان داشته است. در ماه دسامبر سال۲۰۱۴، روبل کاهش ارزش شدیدی را در برابر دلار تجربه کرد و با حدود ۲۰درصد کاهش ارزش به حدود ۸۰روبل در برابر دلار سقوط کرد. در هفته گذشته و با افزایش تدریجی قیمت نفت، ارزش روبل به بالاترین میزان خود در سه‌ماه گذشته رسید و با افزایش حدود ۳/۶درصدی تنها دوروز به سطح ارزشی قابل‌قبول دست یافت.

پاکستان گاز ایران را دور زد

● **مهر:** پاکستان به جای ایران با قطر قرارداد واردات گاز امضا کرد و همزمان با ورود اولین کشتی حامل ال‌ان‌جی قطر به بندر کراچی، شمارش معکوس تعلیق یا جریمه گازی پاکستان توسط ایران آغاز شده است. با گذشت چهارماه از آغاز سال۲۰۱۵ میلادی، پاکستان نه‌تنها آمادگی واردات گاز طبیعی از ایران را ندارد که حتی برنامه‌ای برای احداث شبکه و خطوط لوله به منظور واردات گاز طبیعی از ایران در آینده‌ای نزدیک را هم در دستور کار قرار نداده است. علاوه‌بر این، دولت اسلام‌آباد تاکنون حتی یک‌مترمکعب از خطوط لوله واردات گاز طبیعی از ایران را احداث نکرده است و مطابق با قرارداد امضاشده گازی بین تهران و اسلام‌آباد از ابتدای سال جاری میلادی پاکستانی‌ها به‌ازای هرروز تاخیر باید سه‌میلیون‌دلار به ایران غرامت پرداخت کنند. هم‌زمان با وقت‌کشی و تاخیر پاکستانی‌ها به‌منظور ساخت خطوط لوله و تاسیسات واردات گاز طبیعی از ایران، این کشور همسایه به جای شتاب در ساماندهی قرارداد گازی خود با تهران، مشتری گازهای ترش قطر شده است. در این بین هرچند مسئولان وزارت نفت به‌ویژه بیژن زنگنه وزیر نفت بر آمادگی آغاز صادرات گاز به پاکستان و مخالفت با تعلیق قرارداد فروش گاز به این کشور همسایه تاکید می‌کنند اما دولت اسلام‌آباد برخلاف جریان مذاکرات گازی با تهران، قرارداد خرید محموله‌های ال‌ان‌جی با قطر به‌عنوان مهم‌ترین شریک گازی ایران را امضا کرده است. اسفندماه سال جاری پاکستان قراردادی به منظور واردات گاز طبیعی مایع (ال‌ان‌جی) از قطر را امضا کرده و روز گذشته اولین کشتی حامل ال‌ان‌جی صادراتی قطر در پایانه کراچی پاکستان پهلوگیری کرده است. همزمان با امضای این قرارداد جدید خرید گاز از قطر، پاکستان برای افزایش واردات گاز طبیعی از قطر ساخت یک خط لوله از بندر گوادر تا نواب‌شاه را با یک شرکت چینی امضا کرده است که با تکمیل این خط لوله امکان افزایش واردات گاز از قطر فراهم خواهد شد. به عبارت دیگر، در حالی پاکستانی‌ها به بهانه تحریم از احداث خطوط لوله واردات گاز از ایران طفره می‌روند که منابع مالی قابل‌توجهی را صرف تجهیز پایانه واردات ال‌ان‌جی و ساخت خطوط لوله توزیع و انتقال گاز وارداتی از قطر کرده‌اند. براساس گزارش‌های منتشرشده توسط رسانه‌های پاکستانی، دولت اسلام‌آباد به‌دنبال واردات روزانه ۲۰۰میلیون‌فوت‌مکعب گاز به صورت ال‌ان‌جی از قطر است و درنظر دارد حجم واردات خود را به ۴۰۰میلیون‌فوت‌مکعب در روز افزایش دهد.

مدیرعامل راه‌آهن به تعزیرات احضار شد

● **تسنیم:** مدیرعامل راه‌آهن جمهوری‌اسلامی ایران در ارتباط با برخی تخلفات روی‌داده به تعزیرات حکومتی احضار شد.مدیرعامل راه‌آهن در ارتباط با استرداد بلیت مسافران به‌ویژه در ایام نوروز و دریافت مبالغ اضافی از آنها به یکی از شعب تعزیرات استان تهران احضار شده است. در احضاریه شعبه تعزیرات حکومتی، مهلت مدیرعامل راه‌آهن برای حضور در شعبه تعزیرات و ارائه توضیحات، ۱۰روز پس از رویت احضاریه عنوان شده است. در صورتی که اقدام راه‌آهن در دریافت بهای اضافی در استرداد بلیط غیرقانونی باشد، این سازمان به پرداخت جریمه هنگفتی محکوم خواهد شد.

آزادی بستر کاهش نابرابری

ادامه از صفحه۵

منظور من آزادی‌های فردی است؛ آزادی‌هایی که متوجه فرد می‌شود؛ آزادی‌هایی که از فرد آغاز می‌شود...

ببینید بحث ما تا به اینجا نیمه‌کاره مانده است. اگر شما زنجیره سه‌گانه‌ای که در ابتدا طرح کردم را دنبال کنید، این بحث تا حدود زیادی روشن می‌شود. همان‌طور که پیش‌تر گفتم، برخی از نظریه‌پردازان معتقدند وجود برابری و به تعبیری عدالت اثری سوء دارد و در برابر آنها برخی معتقدند برابری اثری مثبت خواهد داشت. شواهد تجربی گویای این مطلب است که وجود برابری اثرات مثبت را دربر خواهد داشت. برای ایجاد این اثرات مثبت نیاز به بازتوزیع وجود دارد، یعنی شما باید اقداماتی را اتخاذ کنید که منابع و به‌خصوص فرصت‌ها در میان افراد بازتوزیع شوند. چه زمانی امکان بازتوزیع وجود دارد؟ زمانی که شما بحث دموکراسی و آزادی را داشته باشید، یعنی در جوامعی که دموکراسی حاکم است؛ آزادی سیاسی از قدرت‌طلبی اقتصادی قوی‌تر است و آن تقاضا را برای بازتوزیع ایجاد خواهد کرد و درنهایت شواهد تجربی مثبت اقتصادی از آن حاصل می‌شود. بنابراین برای کارکرد مفید از سه‌راس مثلث بازتوزیع، برابری و رشد که نام بردیم، بحث آزادی یک ضرورت است. چنانچه اگر آزادی محدود شود، تقاضایی برای بازتوزیع وجود ندارد. در این‌صورت حتی اگر محدودیت آزادی‌ها اثر مثبتی نیز از لحاظ برابری و رشد اقتصادی داشته باشد، ضلع دیگر این مثلث عقیم خواهد ماند. شواهد موجود در کشورها این موضوع را تاکید می‌کند که بازتوزیع در صورت وجود آزادی رخ می‌دهد و در صورتی که این بازتوزیع خیلی شدید نباشد، باعث ارتقای رشد خواهد شد. این شواهد تجربی پیش از این تایید شده است. باید به این نکته توجه داشت که در صورت فقدان آزادی مطالباتی وجود نخواهد داشت و با نبود مطالبات، نیازی به توزیع مجدد منابع احساس نخواهد شد. در حالی که شواهد نشان می‌دهد برابری منجر به رشد خواهد شد. توجه کنید که میان برابری، بازتوزیع و رشد روابط بسیار پیچیده‌ای وجود دارد. در بسیاری از موارد این بحث غیرخطی است. ممکن است نمونه‌ای از یک کشور وجود داشته باشد که با وجود داشتن آزادی، بازتوزیع در آن انجام شده باشد و به سمت توزیع برابرتر رفته، اما در نهایت رشد حاصل نشده است یا برعکس. به‌طور معمول این تاثیرات غیرخطی است، یعنی اینگونه نیست در هرسطح از نابرابری یا برابری بر اثر اقدامات آزادیخواهانه بتوان بازتوزیع منابع را انجام داد و انتظار داشت که رشد بالا رود. ممکن است در برخی از سطوح، این رشد بالا و در برخی از سطوح این رشد کم باشد. اما به‌طور قطع بازتوزیع تاثیر منفی بر رشد نخواهد داشت، بازتوزیع نیز بر اثر محرکه آزادی ایجاد خواهد شد. مگر اینکه بازتوزیع منابع خیلی شدید و منفی بوده باشد.

شدیدبودن بازتوزیع منابع به چه معنی است؟

یعنی کشوری به وسیله بازتوزیع منابع در پی رسیدن به برابری کامل باشد، مانند آنچه در نظام‌های کمونیستی رخ داد.

آنچه من از صحبت‌های شما متوجه شدم این است که آزادی در ضلع بازتوزیع مثلثی که شما ترسیم می‌کنید نمود پیدا می‌کند. مَکانیسم ارتباط میان آزادی و بازتوزیع ثروت چگونه است؟

در یک‌طرف از این مکانیسم فرد وجود دارد که مطالبات را ایجاد می‌کند و در سوی دیگر دولت قرار می‌گیرد که بازتوزیع را انجام می‌دهد. آزادی درواقع دو طرف این مکانیسم را به یکدیگر پیوند می‌دهد و درنهایت مکانیسم بازتوزیع رخ می‌دهد و منجر به رشد می‌شود. اجرای مکانیسم بازتوزیع ثروت توسط دولت به شیوه‌های متفاوتی انجام می‌شود؛ به‌عنوان مثال می‌تواند به شکل رفرم مالیاتی، انجام اقداماتی بر مالیات‌های تصاعدی، بستن راه‌های فرار مالیاتی، کمک به طبقات ضعیف برای پوشش‌دادن الزامات بهداشت، تغذیه و آموزش آنها و... باشد. اینها اقداماتی است که در فرایند بازتوزیع ممکن است رخ دهد. در روش‌ها و نحوه اجرای بازتوزیع نیز نظریات متفاوتی وجود دارد. برخی معتقدند اقداماتی مانند مالیات تصاعدی و رفرم مالیاتی ممکن است انگیزه کار را کاهش دهد یا اینکه انگیزه سرمایه‌گذاری و پس‌انداز را نزولی کند. اما آنچه که قطعیت دارد این است که اگر این بازتوزیع به شکل رفرم‌های مالیاتی باشد که راه فرار مالیاتی را مسدود کند و درنهایت به آموزش، بهداشت و تشکیل سرمایه انسانی طبقه پایین جامعه منتهی شود درنهایت می‌تواند رشد را ارتقا دهد و وضعیت اقتصادی را بهبود بخشد. درخصوص بازتوزیع ثروت نیز نظریات موافق و مخالفی وجود دارد اما تجربیات کشورهای دنیا نشان می‌دهد رفرم‌های مالیاتی راه فرار مالیاتی را می‌بندد و امکان فعالیت اقتصادی رانت‌جویانه را کم می‌کند. یکی از موضوعات مهم در این زمینه بحث فعالیت‌های رانت‌جویانه است. اگر نابرابری در جامعه‌ای از حدی فراتر رود فعالیت‌های مولد قطع و بستری برای گسترش فعالیت‌های رانت‌جویانه ایجاد خواهد شد. به‌طور کلی شواهد تجربی گویای این مطالب هستند: نابرابری و بی‌عدالتی در بلندمدت مانع رشد است. ممکن است در کوتاه‌مدت رشدی را تجربه کنید اما این رشد بسیار شکننده است. درواقع با بی‌عدالتی و نابرابری رشد اقتصادی بسیار شکننده است و در اولین مواجهه با شوک‌های بین‌المللی به‌دلیل نبود وفاق ملی از هم می‌پاشد و بسیار ضربه‌پذیر می‌شود. واقعیت دوم این است: اگر بازتوزیع به‌صورت رادیکال نباشد، می‌تواند برابری و عدالت را ارتقا دهد و درنتیجه مواهب رشد را به همراه آورد.

برای کارکرد مفید از سه‌راس مثلث بازتوزیع، برابری و رشد که نام بردیم، بحث آزادی یک ضرورت است. چنانچه اگر آزادی محدود شود، تقاضایی برای بازتوزیع وجود ندارد. در این‌صورت حتی اگر محدودیت آزادی‌ها اثر مثبتی نیز از لحاظ برابری و رشد اقتصادی داشته باشد، ضلع دیگر این مثلث عقیم خواهد ماند

شما درخصوص نحوه اجرای بازتوزیع اقتصادی به‌عنوان سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها توضیح دادید اما همچنان نقش فعالان اقتصادی به‌عنوان مثال بخش خصوصی در این مکانیسم مبهم است. درواقع آزادی اقتصادی چگونه می‌تواند در بازتوزیع ثروت اثرگذار باشد؟

باید توجه داشت آزادی سیاسی است که مطالبه بازتوزیع را ایجاد خواهد کرد. اگر این آزادی وجود نداشته باشد درخواستی از دولت طرح نخواهد شد. در این صورت جامعه به روندهای نابرابرانه خود همچنان ادامه می‌دهد تا اینکه به مرز انفجار می‌رسد. اما اگر آزادی سیاسی وجود داشته باشد مطالبات ایجاد می‌شود و دولت می‌تواند در این جهت اقدامات مناسب را انجام دهد.

بسیاری از مفسران برای آزادی اقتصادی و آزادی سیاسی، اعتبار جداگانه‌ای قایل هستند و معتقدند آزادی اقتصادی درنهایت می‌تواند قدرت اقتصادی را از قدرت سیاسی و ساخت قدرت جدا کند. به‌طور مشخص مکانیسم بازار و آزادی‌ای که در دل این مکانیسم جا دارد می‌تواند آزادی اقتصادی را خلق و درنتیجه به بیشترشدن و گسترش آزادی کمک کند و همین آزادی به دست‌آمده می‌تواند رشد و توسعه را محقق کند. شما این دیدگاه را چگونه می‌بینید؟ آیا می‌پذیرید که مکانیسم بازار می‌تواند این آزادی را خلق کند؟

فی‌نفسه بازار به‌صورت خالص خیر. تجربه در سال‌های اخیر نشان داده دولت‌ها نقش مهمی در این زمینه داشته‌اند. بازار و دولت باید به نحوی عمل کنند که بتوانند نقایص یکدیگر را پوشش دهند. توسعه در کشورهای جنوب شرقی آسیا و کشورهای دیگر گویای این واقعیت است که بدون فعالیت عاقلانه دولت این امر امکان‌پذیر نیست. در جهان پرتلاطم امروز شما دائما در معرض شوک‌های بین‌المللی هستید و آن ثبات کلان اقتصادی که باید ایجاد شود، به وسیله دولت محقق خواهد شد. با وجود ثبات اقتصادی است که بازار می‌تواند به درستی عمل کند و پس از آن آزادی اقتصادی با پیگیری انگیزه نفع شخصی می‌تواند زمینه‌های رشد و شکوفایی را فراهم کند.

در نتیجه شما به الزام دولت در تحقق عدالت و حتی آزادی اقتصادی باور دارید؟

بله. برنامه‌های اقتصادی دولت در این دو بحث بسیار اهمیت دارد. کشورهای جهان سوم دائما در معرض شوک‌های بین‌المللی هستند. در نتیجه نقش دولت پررنگ‌تر خواهد شد و برنامه‌ها باید نقش مکمل با بازار را ایفا کنند و نقایص بازار را پوشش دهند. بازار بسته به وسعش می‌تواند بسیار کوته‌بینانه عمل کند. یک بنگاه انفرادی شاید به پیش‌بینی‌های بلندمدت درخصوص رشد جمعیت و نیازمندی‌های جامعه نپردازد اما این ارگان‌های برنامه‌ریز هستند که باید افق را ترسیم کنند و پیش‌بینی‌های لازم را در رابطه با رشد جمعیت، سطح فعالیت‌های اقتصادی، قیمت حامل‌های انرژی و... داشته باشند و برنامه‌هایی را به‌صورت میان‌مدت و بلندمدت طراحی کنند. پس از آن نیز در چارچوب کوتاه‌مدت‌تر و در قالب بودجه برنامه‌ها را طراحی کنند. پس از طراحی چارچوب برنامه‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت است که بخش خصوصی و بازار دست به کار می‌شود.

آیا شما معتقدید که بازار، عقلانیت لازم را برای تحقق توسعه ندارد؟

بله. این موضوع پیش از اینها اثبات شده است. شکی در این موضوع وجود ندارد که بازار عقلانیت لازم را ندارد. حتی لیبرال‌ترین دولت‌ها نیز نقش بالایی را برای دولت در اقتصاد قایل هستند.

عکس: نوفه رستمی، شرق

آیا شما تعریفی از آزادی اقتصادی دارید؟ وقتی عقلانیت بازار را نمی‌پذیریم چگونه می‌توان به تعریفی از آزادی اقتصادی دست یافت؟

آزادی اقتصادی مانند آزادی فرزندان درون یک خانواده است. نمی‌توان تصور کرد درون یک خانواده یک دیکتاتوری حاکم باشد و هیچ‌گونه آزادی وجود نداشته باشد و از سویی نباید یک خانواده آن‌چنان باز باشد که فرزندان هر کاری بخواهند انجام دهند. بنابراین خلاها و نقایص بازار باید توسط دولت رفع شود. آزادی اقتصادی در این چهارچوب تعریف می‌شود. به‌عنوان مثال اگر درخصوص ساخت‌وساز مکانیسم محکمی توسط سازمان نظام‌مهندسی ارائه نشده باشد، در این شرایط بازار سریع‌ترین و پرسودترین راه را انتخاب می‌کند که ممکن است در عین حال غیرایمن‌ترین راه نیز باشد. دولت به‌عنوان متولی امر باید از طریق اصول نظام‌مهندسی تمهیدات اساسی را فراهم کند. درنتیجه دولت درخصوص قانون‌گذاری‌ها، پیش‌بینی متغییرهای اقتصادی و... نقش فعال داشته باشد.

سرمایه‌داری رقابتی می‌تواند به انتخاب بهتر منجر شود. یعنی در فضای رقابتی و به مرور زمان متقاضی برای آن ساختمان‌سازی که شما به آن اشاره کردید وجود نخواهد داشت. درنتیجه براساس همین انتخاب عقلانی افراد می‌توان عقلانیتی برای بازار تصور کرد. آیا نمی‌توان ساخت همین قانون نظام‌مهندسی که شما مثال زدید را دستاورد عقلانیت سرمایه‌داری رقابتی دانست؟

خیر، من با این تفسیر موافق نیستم. در حال حاضر سرمایه‌دارانه‌ترین دولت‌ها نیز بحث دخالت دولت در اقتصاد را در مواقع مورد نیاز دارند. در کشورهایی که توسعه‌یافتگی در بالاترین سطح هست نیز دولت‌ها در مواقعی دخالت‌های لازم در بازار را انجام خواهند داد. این ضرورت و الزام در کشورهای درحال‌توسعه بیشتر نیز خواهد بود. می‌توان گفت نقش دولت به مرور تقویت یا تضعیف شود اما نمی‌توانیم نقش دولت را نادیده بگیریم و بازار را به‌صورت کامل به دست بازار بسپاریم. این بحثی اثبات‌شده است حتی کسانی که در نظام سرمایه‌داری راهی برای پیشرفت و توسعه کشورها تجویز می‌کنند؛ برای دولت نقش مکمل بازار را قائل هستند. به‌عنوان مثال بخش خصوصی توانایی طراحی و اجرای سیاست‌های صنعتی مناسب را ندارد. در مباحثی مانند محصولات کشاورزی و دامپروری و... اگر نظارت دولت برداشته شود دچار نوسانات شدید و غیرقابل کنترل خواهد شد. این دولت است که با تنظیم بازار، رفاه هر دو طرف را حفظ می‌کند.

در مثالی تاریخی که شما به آن اشاره کردید، افزایش نقش دولت در اقتصاد درنهایت موجب سلب آزادی‌های سیاسی و اقتصادی شده است...

این مداخلات بیجاست و آن امری است علی حده...

این حد چگونه تعریف می‌شود؟

این حد در نظریات اقتصادی براساس موارد شکست بازار طراحی شده است. بیش از شش مورد وجود دارد که زمینه دخالت دولت را مشخص می‌کند. بازهم باید توجه داشت آزادی کامل بخش خصوصی به کارایی منتهی نمی‌شود. یکی از موارد مهم، بحث عدم شفافیت اطلاعات است. زمانی که شفافیت اطلاعاتی از سوی بخش خصوصی وجود نداشته باشد در نهایت منجر به نتایج ناکارآمدی در بازار خواهد شد.

اگر بخواهیم به بحث اصلی‌مان یعنی عدالت و آزادی برگردیم مهم‌ترین نشانه‌های فقدان عدالت و آزادی در یک ساختار اقتصادی چیست؟

در فقدان عدالت و آزادی نشانه‌ها و علائم لازم برای اصلاح ایجاد نخواهد شد. در این شرایط اصلاحات دیرهنگام صورت می‌گیرد. درواقع آزادی بستری است تا بحث عدالت و تقلیل نابرابری حاصل شود.

گذر

خروج تهران از شرایط فوق بحرانی خشکسالی

● **مهر:** یک‌مقام‌مسئول در وزارت نیرو گفت: بارندگی‌های اخیر باعث شد تا وضعیت ذخایر آبی از شرایط فوق بحرانی خشکسالی به بحرانی بازگردد؛ با این وجود تنها چهاردرصد حجم مخزن سد لار در شرق تهران از آب پر شده است. خسرو ارتقایی گفت: از ابتدای سال آبی جاری (مهرماه۹۳) تاکنون افزون بر ۲۲۶میلیمتر بارندگی در سطح استان تهران ثبت شده که در مقایسه با متوسط دوره بلندمدت ۴۷ساله، افزون بر ۱۰درصد کاهش بارش را شاهد هستیم. این مقام‌مسئول در وزارت نیرو با تاکید بر بازگشت از شرایط فوق بحرانی به وضعیت بحرانی آبی در پایتخت اظهار کرد: با این وجود، همچنان کمبود منابع آب وجود دارد و بنابراین تقاضا داریم شهروندان تهرانی جهت مدیریت مصرف بهینه آب همکاری خود را ادامه دهند. وی افزود: با توجه به میزان بارندگی‌های صورت‌گرفته در استان تهران در روزهای گذشته، از شرایط فوق بحرانی خشکسالی به وضعیت بحرانی بازگشته‌ایم. درحال‌حاضر، در سدهای پنج‌گانه ۴۲۲میلیون‌مترمکعب آب ذخیره شده و حجم آب ذخیره‌شده در سدهای امیرکبیر۷۱، لتیان۴۴، لار۱۹، طالقان ۱۶۸ و ماملو ۱۲۰میلیون‌مترمکعب است. ارتقایی یادآور شد: در شرایط نرمال در سدهای تهران باید بیش از ۷۰۰میلیون‌مترمکعب ذخیره آبی وجود داشته باشد که در زمان حاضر بیش از ۲۸۰میلیون‌مترمکعب کمبود ذخایر آبی در سدهای استان تهران مشاهده می‌شود و این کاهش‌ها به‌دلیل خشکسالی‌های پیاپی در استان تهران و استفاده از ذخایر آبی سدها در طول سال اتفاق افتاده است.

این مقام‌مسئول در وزارت نیرو ادامه داد: از سوی دیگر روان‌آب‌ها که تا پیش از سال جدید پنج‌درصد کاهش داشت، با بارش‌های خوب صورت‌گرفته این کسری تا حدودی جبران شده و میزان روان‌آب‌ها اکنون در حد سال گذشته است.

وی تصریح کرد: طبیعی است با وجود بارندگی‌های خوبی که در روزهای پایانی سال۹۳ و اوائل سال۹۴ ثبت شده، از شرایط فوق بحرانی به شرایط بحرانی بازگشته‌ایم؛ به این معنی که همچنان کمبود منابع آب وجود دارد و بنابراین تقاضا داریم شهروندان تهرانی جهت مدیریت مصرف بهینه آب همکاری خود را ادامه دهند.